



۲۰۱۴/۰۸/۲۹



جليل غنى

## گروگان ظلمت

تاریخ افغانستان مثل تاریخ هر ملت دیگر شاهد نا آرامی ها و بی سر و سامانی ها، اختلافات، جنگ های از هر نوع، خونریزی ها و کنار آمدن ها و صلح و آرامش، ظلم و ستم، دیکتاتوری ها، ارتقا و پیشرفت و عقب گرائی و دیگر انواع رویداد هایی بوده است که هر ملتی در روی کره زمین آن را تجربه کرده است و خوش به حال ملت هایی که راه شان را گشوده و مسیر درست خود را یافته اند و امروز در قطار پیشرفته ترین، آرام ترین و مرفه ترین ها قرار دارند و یا درین راه روان هستند و سرنوشت شان را با درایت و درک درست از جریانات تاریخ، متکی بر تجارب تاریخی شان، خود تعیین نموده اند.

تاریخ پر افتخار و با عظمت چندین هزار ساله افغانستان شاهد امپراطوری های متمدن و در بسا موارد تاخت و تاز های جهان گشایان و نابودی این تمدن ها بوده است و این ملت بوده است که دوباره زندگی را رونق داده و مدنیت دیگری را رقم زده است.

هر باری که این خطه چه بنام آریانا، چه خراسان و چه افغانستان، مورد تجاوز و تهاجم جهان گشایان و یا استعمار گران منطقوی و بین المللی، نظر به اهمیت موقعیت جغرافیائی ستراتیژیک خود قرار گرفته، دو باره قد علم نموده و از تمامیت ارضی، استقلال، حاکمیت ملی، اعتقادات، عنعنات و افتخارات خود دفاع کرده و باز هم هویت خود را به حیث یک ملت با افتخار، که هیچ گاهی غلامی و اسارت را قبول نکرده، حفظ کرده است. استعمار گران و آزمندان منطقوی و بین المللی پس از تلاش های مکرر و شکست های متواتر به این نتیجه رسیدند که دست از به انقیاد در آوردن این ملت بر دارند و راه کمک و همکاری را در پیش گیرند.

تکرار حوادث تاریخی و ارائه جزئیات و مثال هایی از این قبیل از اسکندر کبیر تا سال های اخیر، از حوصله این مختصر بیرون است اما آنچه مسلم است اینست که در هر زمان و دوره پس از انحطاط، بودند راد مردان و وطن دوستانی که قیادت و رهبری این ملت را بدوش گرفتند و کشور را از یک بحران و بی نظمی و خطر متلاشی شدن نجات دادند و نام های پر افتخار شان را ثبت تاریخ نمودند که امروز نه تنها ملت افغانستان بلکه منطقه و جهان به آنها افتخار می کند.

این راد مردان در هر عرصه زندگی درین خطه چه فرهنگ بوده است و چه علم و سیاست و اداره و رهبری نظامی و سیاسی نه تنها کشور را از چنان بحران ها نجات دادند بلکه الهام بخش نهضت های آزادی بخش و پیشرفت های علمی و فرهنگی گردیده اند بلکه شیرازه دولت ها، نظام ها و حکومت ها را برای نسل های بعدی نیز گذاشتند.

بحرانی که امروز ملت افغانستان به آن مواجه است در تاریخ افغانستان کم نظیر است. این بحران را کدام تهاجم و لشکر کشی و یا ملت به وجود نیآورده بلکه کسانی به وجود آورده اند که منافع شخصی شان را بر منافع ملی و آرزومندی مردم افغانستان ترجیح داده اند. ملت افغانستان با چه افتخار و علاقه ای به پای صندوق های رأی رفت تا سر نوشت خود را رقم زند و همه شاهد آن بودیم که با وجود تهدید های طالبان برای قتل رأی دهندگان و با وجود نا مساعد بودن اوضاع جوی در بسیاری نقاط افغانستان این ملت یک بار نه دو بار به سوی صندوق های رأی رفت و حتی تلفات و خسارات جانی و مالی را تحمل نمود به امید اینکه دیگر بر سرنوشت خود حاکم شود و بر دوران خود کامگی ها و زور گوئی ها خاتمه داده شود. غافل از اینکه هنوز هم این زور گویان و ستم پیشگان خود را بر گرده این ملت تحمل می کنند تا باز هم منفعت های بیشتر سیاسی و اقتصادی شان را تأمین نمایند و جاه طلبی های شان را بدون توجه به رنج بی سر نوشتی ملت و کشور اقتناع کنند.

افغانستان طولانی ترین انتخابات را در جهان از یمین تقلب ها و خود کامگی ها و منفعت جویی های گروه کوچکی ثبت نمود. این انتخابات و لجابت های پس از آن نه تنها مردم سالاری را، که به نام آن کاندید های ریاست جمهوری در پی بدست آوردن منافع شخصی و اقتناع جاه طلبی های شان هستند، به باد تمسخر گرفت بلکه ملت افغانستان را نیز در جهان شهرت بد داد.

گاهی این هراس به ذهن خطور می کند که حامیان بین المللی ملت افغانستان به این اندیشه وادار گردند که بار دیگر افغانستان را مثل سال های ۱۹۹۰ پس از شکست مفتضحانه قشون سرخ و سقوط حکومت تحت الحمايه اتحاد شوروی

سابق به حال خودش بگذارند و بار دیگر این ملت شاهد جنگ داخلی دیگری، این بار به نام قوم و تبار و نژاد و قبیله و سمت در پهلوی عنصر مذهب، باشد و ملت و کشور را به قهقرای دیگری سقوط دهد. ولی با حضور قوای بین المللی در افغانستان و تعهداتی که جامعه بین المللی در قبال افغانستان داده و همچنان با ترتیب و موافقتنامه امنیتی با ایالات متحده و تأیید آن از جانب لویه جرگه مشورتی و تعهد هر دو کاندید ریاست جمهوری به امضای آن در صورتی که هر یک برنده شود، فکر نمی شود که ملت افغانستان بار دیگر در گرو ظلمت گروه هایی قرار گیرد که یک بار این ملت را به جنگ داخلی کشانیدند و تلفات و خسارات سنگین را موجب شدند.

با نظر اجمالی بر آنچه که از روز اول انتخابات در شانزدهم حمل ۱۳۹۳ هجری شمسی تا به امروز که بیش از چهار ماه از آن می گذرد و با موقف گیری های کاندید ها چه در مورد نتیجه انتخابات و چه در مورد طرز العمل های کمیسیون های انتخاباتی که نام نیکی از همان آغاز کمائی نکرده اند، در می یابیم که منافع شخصی و گروهی کاندید های ریاست جمهوری بر منافع ملی ارجحیت داشته است.

در دور اول انتخابات تا حدودی مردم افغانستان بیشتر با در نظر داشت برنامه های کاندید ها و شناختی که از آنها بر مبنای کار و سابقه شان داشتند، رأی دادند و تأثیر عناصر قومی و منطقه ای، سمتی و مذهبی در آن کمتر بود چنانچه ارزیابی هایی که پس از این دور صورت گرفت بیست و پنج فی صد آراء ملی بود ولی در دور دوم برعکس با تبلیغات نا درست یا خود کاندید ها و یا هم پیروان شان و اتکاء بر عناصر تفرقه انداز به منظور جلب آرای بیشتر، باعث آن شد که نه تنها اختلافات از این قبیل دامن زده شود و ضربه بس شدید بر پیکر ملت به حیث یک کتله واحد وارد گردد بلکه دامنه این اختلافات و موقف گیری های منافی اتحاد و همبستگی ملی را گسترش داده که تهدیدی به از هم پاشیدگی ملی تلقی می گردد.

از همان آغاز دور اول انتخابات، و حتی پیش از آن، ادعا هایی صورت می گرفت که تقلب صورت خواهد گرفت و همه کاندید ها بر شفافیت انتخابات بدون تقلب تأکید داشتند که گپ خوبی بود و برای پیشگیری از تقلب باید تأکید می شد ولی فقط یک روز بعد از نتیجه دور اول انتخابات تیم «اصلاحات و همگرایی» اعلام نمود که نتیجه را نمی پذیرد و تقلب صورت گرفته است چون پنجاه جمع یک در صد رأی را نداشت و تیم تحول و تداوم اعلام نمود که مصالحه نمی شود و «دولت شرکت سهامی نیست» و به دور دوم می رویم، به درازا کشیده شدن انتخابات از همان روز آغاز گردید.

این اختلافات تا کنون ادامه دارد و پس از دور دوم چنان شدت گرفت که تشکیل دولت موازی از جانب عطا محمد نور والی بلخ و رئیس اجرائیه جمعیت اسلامی یکی از حامیان سرسخت عبدالله عبدالله مطرح شد و با پا در میانی رئیس جمهور اوباما و فرستادن جان کری وزیر خارجه به افغانستان زمینه یک توافق بین دو کاندید فراهم شد تا هر دو در تشکیل دولت وحدت ملی سهم شوند. اما این هنوز آغاز کار بود و جان کری باز هم بار دوم برای مستند ساختن توافق به کابل سفر کرد و تعهد کتبی هر دو کاندید را گرفت.

با تشکیل سه کمیته کاری از جانب هر دو کاندید کار روی تشکیل دولت وحدت ملی و تقویت آراء تحت نظر ملل متحد آغاز شد که لزومی به ارائه جزئیات نیست و باز هم اختلافات ادامه یافت و تیم «اصلاحات و همگرایی» به طرز العمل ابطال آراء اعتراض نمود و ناظران را خارج ساخت و ناظران تیم تحول و تداوم هم به در خواست نمایندگی ملل متحد خارج ساخته شد و باز هم آقای اوباما در یک تماس تلفنی دیگر از هر دو کاندید خواست توافق نمایند.

درین میان ملت مظلوم افغانستان چه گناهی کرده که برای بیش از چهار ماه بی سرنوشت باشد و حکومتی که بتواند از آن در نتیجه رأی و اراده آزاد و مستقیم ملت نمایندگی کند، تشکیل نگردد و درین مدت به قول وزیر مالیه میلیارد ها دالر خساره در عواید دولت وارد شود و شش میلیارد دالر سرمایه به خارج از افغانستان فرار نماید و نرخ های مواد اولیه هم به وجه سر سام آوری بلند برود. همه این مصیبت ها برای آنست که جاه طلبی ها و قدرت طلبی های کاندید ها بر آورده گردد آنهم معلوم نیست که کدام یکی برنده است و رئیس جمهور می گردد و کدام یک رئیس اجرائیه و تا هم اکنون برای تعیین حدود صلاحیت های این سمت چانه زنی ها ادامه دارد و سخن گوینان هر دو کاندید اظهار خوشبینی می کنند که توافق نزدیک است و انتظار دارند که مراسم تحلیف رئیس جمهور جدید هم قبل از دایر شدن کنفرانس سران ناتو در شهر ویلز برتانیه انجام شود تا رئیس جمهور جدید در آن اشتراک کرده بتواند.

از جانب دیگر آقای کرزی، که تیم «اصلاحات و همگرایی» او را متهم می کند که همه این نا بسامانی ها نتیجه انتخابات مهندسی شده از جانب ارگ و کمیسیون های انتخاباتی و تیم رقیب او می باشد، پا فشاری دارد که مراسم

تحلیف در دوم سپتمبر دایر شود و ملل متحد می گوید بعد از دهم سپتمبر. تمدید خدمت دولت کرزی تا کنون هم تخلف دیگری از قانون اساسی است و دوام بیشتر آن هم ادامه این تخلفات.

ملت افغانستان از چهار ماه به این طرف گروگان‌ظلمتی است که سیاستمداران این کشور بر آنها تحمیل کرده اند. نگاهی بر ترکیب دو تیم رقیب نشان می دهد که دو تفکر متقابل و دو دیدگاه متفاوت در پهلوی عناصر و عواملی که در بالا از آن تذکر رفت و شامل قوم، تبار، نژاد، سمت و منطقه و حتی زبان می گردد، درین تقابل با هم قرار دارند. در یک جانب بیشتر گروه هایی قرار دارند که در جهاد به مقابل حکومت حزب دیموکراتیک خلق و تهاجم قشون سرخ بر افغانستان سهم فعال داشتند و در رأس آن درین معادله در مبارزات انتخاباتی، جمعیت اسلامی افغانستان قرار دارد. البته گروه های دیگری هم درین تیم وجود دارند از قبیل حزب اسلامی و قوماندان های بعضی از گروه های دیگر جهادی مثل گل آقا شیرزوی، حزب وحدت به رهبری حاجی محمد محقق و دیگران. در جانب دیگر ترکیبی از تکنوکرات ها و بعضی جناح هایی است که آنها نیز به نحوی از انحاء در جریان مقاومت مردم افغانستان در مقابل قشون سرخ سهم داشتند و فعال بودند ولی در جمله گروه های معتدل محسوب می شدند. این دو گروه از نگاه طرز تفکر و روشهای تفاوت های کلی دارند. در حالیکه تیم "تحول و تداوم" بیشتر بر برنامه های اقتصادی و دید تازه برای آینده افغانستان تأکید دارد، تیم «اصلاحات و همگرایی» بیشتر بر افتخاراتی تأکید می کند که در سال های جهاد به آن دست یافته و حاکمیت سیاسی را بر افغانستان حق مسلم خود می داند. اما متأسفانه که تنظیم های جهادی نتوانستند این افتخارات را حفظ نمایند و بعد از وارد شدن به کابل در سال ۱۹۹۲ آرمان های مردم افغانستان را بر آورده سازند، که یک و نیم میلیون شهید دادند و بیش از نیم میلیون دیگر هم اکنون بدون هیچگونه حقوق و امتیازی معیوب هستند. برعکس باعث ویرانی بیشتر شهر ها مخصوصاً کابل و کشته شدن در حدود شصت هزار نفر تنها در کابل در اثر جنگ های بین تنظیم ها گردیدند.

اکنون این تنظیم ها که بیشتر در تیم «اصلاحات و همگرایی» گرد هم آمده اند فرصت خواهند داشت اشتباهات گذشته را جبران نمایند و از طریق وفا داری به منافع ملی و گذشتن از منافع شخصی و گروهی به ملت افغانستان ثابت سازند که واقعاً اهداف عالی برای خدمت گذاری به ملت دارند.

شاید هم یکی از دلایلی که از هر وسیله ای برای کنار نرفتن از صحنه فعال سیاسی افغانستان کار می گیرند، هم همین باشد. این تنظیم ها و گروه ها و احزاب سیاسی که تعداد آنها اکنون به شصت و سه حزب و گروه سیاسی رسیده بدون شک جزئی از هر گونه انکشاف و جریان سیاسی خواهند بود که در افغانستان اتفاق می افتد ولی بقای هر یک از این احزاب و گروه ها بستگی به عمل، دیدگاه های سیاسی و اقتصادی آنها برای کشور دارد. ملت امروز افغانستان ملت دوران تهاجم قشون سرخ بر افغانستان نیست ملتی است که از خاکستر جنگ بر خاسته و در دو دور انتخابات امسال نشان داد که هم علاقمند به سرنوشت کشور و امور سیاسی کشورش می باشد و هم تصمیم دارد که حاکم بر سرنوشت خویش باشد و ارزیابی هایی هم از جریان چند سال اخیر و اوضاع منطقه و جهان دارد. بازی با سرنوشت این ملت بازی با آتش است و دیگر حوصله آن از گروگان بودن در ظلمت خودخواهی ها بسر آمده است.

پایان